بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

# گزارش کتاب: بازتاب تفکر عثمانی در حادثه‌ی کربلا

نویسنده: محمد رضا هدایت پناه

ناشر کتاب: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سال نشر:1393

# مقدمه

کتاب حاضر درصدد پاسخگویی به این نگاه عثمانی هاست که نه تنها شیعیان، مسؤول واقعه کربلا نبودند بلکه تفکرات عثمانی، اموی و رومی بود که فاجعه کربلا را رقم زد و این حقیقت با ادله و شواهد متقن تاریخی در این کتاب بررسی شده است.

حادثه عظیم و ارزشمند کربلا، توجه محققان بسیاری از شیعه و سنی و حتی غیرمسلمان را به خود جلب کرده است و هریک از زاویه ای به آن نگریسته و آن را بررسی و تحلیل کرده اند، اما به نظر می رسد هنوز نکات و مطالب قابل توجهی وجود دارد که به دلیل حساسیت یا شهرت، کمتر نقد و بررسی شده اند. از جمله این موارد، شناخت دقیق تفکر سیاسی ـ مذهبی نیروهای عراقی است که در برابر قیام امام حسین(ع) صف آرایی کردند و در کوفه و کربلا حزب اموی را یاری رساندند.

# اهمیت موضوع

بر اساس مطالب کتاب، پرداختن به این موضوع -به ویژه در عصر حاضر- از چند جهت حائز اهمیت است؛ نخست وحشت و ترسی است که از بیداری مسلمانان و گسترش و توجه روز افزون جهان به اسلام و تشیع، دشمنان مسلمانان و برخی مسلمانان نادان و متعصب وهابی را فراگرفته و تبلیغات وسیعی را که به تعبیر جامع و دقیق مقام معظم رهبری باید آن را ناتوی فرهنگی نامید، برای مهار و منحرف کردن افکار عمومی از اسلام و تشیع به راه انداخته اند. آنان برای رسیدن به این هدف، تلاش های گوناگونی را در جهان آغاز کرده اند؛ تصویر خشن و زشت از اسلام و مسلمانان با عنوان تروریست و تحریف جهاد مقدس به این نام ضد انسانی، دامن زدن به اختلافات مذهبی شیعه و اهل سنت و بزرگ نمایی آنها و طرح شبهات قدیم و جدیدی با عناوینی، نظیر؛ تحریف قرآن، لعن بر صحابه، تکفیرگرایی مسلمانان؛ فرقه سازی، گسترش و تقویت خرافه پرستی و غالی گرایی، قومیت گرایی و طرح ده ها و صدها شبهه فرهنگی و دینی دیگر و ده ها سایت ضد تشیع که نشان دهنده صرف هزینه هنگفت و به استخدام گرفتن تمام امکانات و نیروهای فکری و متخصص خود از سراسر جهان است.

جهت دوم که در راستای مطلب نخست است، خلع سلاح کردن شیعیان از مبانی و پتانسیل های غنی مذهبی و اعتقادی خود است که در جبهه اول مبارزات علیه کفار و دشمنان اسلام قرار دارند و به یقین یکی از این مبانی و موضوعات مهم اعتقادی که دیگر نه تنها برای شیعیان، بلکه برای جهان اسلام، نتایج مهمی را در عصر حاضر رقم زده است، عاشورا و قیام سیدالشهدا(ع) است. اگر تا دیروز نسبت به چگونگی مراسم عاشورا به شیعه ایراد می گرفتند و تمام آن را تا سر حد بدعت و اعمال خلاف شرع تفسیر و تبلیغ می کردند و بلکه به سخره می گرفتند؛ امروز شبهات خود را متوجه اصل و ریشه آن کرده و صرف نظر از کیفیت مراسم عاشورا، تشیع را به دروغگویی و تحریف هزار ساله آن چیزی که خود آن را واقعیت مسلم تاریخی فرض کرده اند، متهم می کنند. آنان دیگر به قمه زنی و زنجیرزنی و علم و کتل چندان کاری ندارند، بلکه به عاملان و همکاران و همدستان و صحنه گردانان این فاجعه خونین جهان اسلام کار دارند و با بهره گیری از گزارش های مورخان همسو با امویان، تحریف مفاهیم، زمینه های تاریخی و به روز کردن گفته های برخی مورخان و علمای سلفی و وهابی، شیعیان و پیروان اهل بیت(ع) ـ این پرچمداران مبارزه با امویان ـ را بانیان اصلی حادثه کربلا و به شهادت رساندن امام خود متهم کرده اند.

نویسنده معتقد است این شیطنت که پس از حادثه کربلا در طول چندین قرن با جعل و گزارش های دروغین تاریخی و تبلیغ و تاسیس قواعد منحرف کلامی و صدور فناوری به ظاهر شرعی مبنی بر عدم تجویز لعن یزید و حتی بهره گیری از خواب، سعی در تبرئه یزید و امویان داشت، اینک پا را فراتر نهاده، مسببان و عاملان و معارضان قیام کربلا را شیعیان معرفی کرده اند و عزاداری آنان را یک تحریف بزرگ تاریخی تبیین می کنند؛ البته آنان خود می دانند که چنین ادعایی نباید تنها با سخنان سطحی و شعاری همراه باشد که در این صورت خود را مضحکه عالم و آدم خواهند کرد. از این رو، شبهه خود را با مقدماتی به ظاهر علمی بیان می کنند.

در بخشی از پیشگفتار این اثر آمده است: «کتاب حاضر در صدد بیان این مطلب است که آنان که در کوفه، مقابل قیام "مسلم" ایستادند و در کربلا سپاه "عمربن سعد" را تشکیل دادند، دارای تفکر عثمانی بوده اند و کوفی بودن مساوی شیعه بودن، مغالطه ای بیش نیست. بدیهی است که این به معنای حاکمیت تفکر عثمانی بر کل شهر کوفه نیست و حتی انکار اکثریت شیعیان در برابر اقلیت عثمانی مذهبان نیست و چنین ادعایی هم نشده است، اما معتقدیم همین اقلیت عثمانی، با پشتوانه قدرت زیاد و مدیریت فعال توانست با بسیج نیروهای خود در کوفه و البته استفاده ابزاری از اراذل و اوباش شهر، در برابر اکثریت بایستد و آنان را شکست دهد. این نه تنها بزرگ نمایی و طرف داری متعصبانه از یک گروه و حزب خاصی نیست، بلکه عین واقعیت و کشف حقیقتی تاریخی است. بزرگ نمایی و خطا این است که ما تداعیات ذهنی خود را که از کوفه داریم بر معارضان قیام امام حسین(ع) تحمیل کنیم و به یک سخن "قلوبهم معک و سیوفهم علیک" بچسبیم، بدون اینکه به آنچه در خارج اتفاق افتاده و به ماهیت معارضان، توجهی داشته باشیم.»

اثبات این مدعا در پنج بخش و یک ضمیمه تنظیم شده است؛ مفاهیم و بستر تاریخی آنها، برنامه های تغییر هویت سیاسی ـ مذهبی کوفه، بازتاب تفکر عثمانی در کوفه، بازتاب تفکر عثمانی در کربلا، کربلا و نقش فقها و قراء، منع آب از عثمان و موضع امیرالمومنین(ع).

شبهه: چرا برای امام حسین عزاداری می کنید و به چه کسی می خواهید طعنه بزنید، در حالی که هم فکرهای خودتان امام حسین را دعوت کردند و در کربلا او را به شهادت رساندند. زیرا کوفه محل شیعیان بود و مردم عراق و کوفه در مقابل امام حسین صف آرایی کردند و حضرت را به شهادت رساندند.

پاسخ: در پاسخ از این شبهه باید به این نکته توجه داشت که معارضین امام و کسانی که در مقابل امام حسین قرار گرفتند شیعه نبودند بکله عثمانی مذهب بودند. و افرادی که برای امام هم نامه نوشتند برخی شیعه بودند و برخی نیز عثمانی و از اشراف کوفه بودند. شیعیانی که نامه نوشتند برخی در رکاب امام حسین به شهادت رسیدند و برخی دیگر از شیعیان که به دلایلی که برای ما معلوم نیست نتوانستند به جبهه بروند ولی بعد قیام توابین را به راه انداختند و در راه امام حسین به شهادت رسیدند. بنابراین کسانی که در مقابل امام حسین بودند همه عثمانی بودند.

توضیح**:**

الف.گسترش تفکر عثمانی در جهان اسلام: بعد از قتل عثمان مسلمانان به دو گروه عثمانی و علوی تقسیم شدند. این دو تفکر در زمان خلافت امام علی چند بار در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. جنگ جمل به رهبری عایشه و طلحه و زبیر اگر چه عثمانیان در این جنگ شکست خوردند ولی بعد از آن بصره همگی عثمانی شدند. بعد از آن جنگ صفین رخ داد که موجب تقویب بیشتر تفکر عثمانی شد. بعد از آن صلح امام حسن و رهبری معاویه باعث شد که این تفکر رونق بیشتری بگیرد و در شهرهای مهم اسلام حتی کوفه گسترش پیدا کند. علت گسترش تفکر عثمانی در بین مردم کوفه نیز دو علت داشت:

1.کوفیان شیعه سیاسی بودند نه اعتقادی.

2.سیاست های معاویه در کوفه:

1. انتخاب حاکمانی عثمانی مذهب مثل عبدالله بن عمر بن عاص، مغیره بن شعبه، زیاد بن ابیه

2. سیاست ارعاب و تطمیع: قتل و مثله کردن، قطع سهمیه بیت المال، زندانی

3.حمایت و تقویت عثمانی مذهبان کوفه:

ب.اعتقادات عثمانیه: عثمانیه معتقد به خلفای ثلاثه بودند و امام علی را قبول نداشتند و از ان زمان با دوران فتنه یاد می کردند. و با بررسی مشخصه های عثمانی مذهبان مشخص می شود که کوفیان عثمانی بودند.

 مشخصه عثمانی مذهبان**:**

1. مقدم داشتن عثمان بر علی و بغض به علی و جعل روایات بر علیه حضرت

2. بیعت نکردن با امیر المومنین

3. عدم همراهی با امیر المومنین در جنگ جمل و صفین و نهروان

4. یاری و معاویه کردن معاویه در صفین

5. استعمال تعابیری مثل ابوتراب برای حضرت علی

6. پذیرش مناصب سیاسی از طرف امویان و همپیمانی به بنی امیه و عثمانی ها

ج: بررسی اوضاع کوفه در زمان حضور مسلم بن عقیل**:** وقتی به آن دوران و زمانی که مسلم بن عقیل در کوفه حضور دارد نگاه شود خواهیم دید که افراد زیادی عثمانی در این شهر وجود دارند. و همین غالبیت تفکر عثمانی است که باعث شد مردم از اطرف مسلم پراکنده شوند. به عنوان مثال کارهای که عثمانیان در زمان حضور مسلم انجام شد:

1. سریعا به یزید اطلاع دادند که نعمان برای کوفه مناسب نیست.

2. افرادی بودند که اگر کسی می خواست به سپاه مسلم ملحق شود به ابن زیاد اطلاع می دادند و جلو این کار را می گرفتند.

3. گفتگوهای مسلم در هنگام دستگیری با قاتلینش نشان می دهد که آن ها تفکر عثمانی دارند.

**د: نامه ها:** تفکر عثمانی را می توان از نامه هایی که برای امام حسین نوشته شده است نیز دریافت.

1. نویسندگان نامه ها: کسانی که برای امام نوشتند بر چند قسم هستند گروهی مثل حبیب بن مظاهر از شیعیان مخلص هستند ولی گروه هایی دیگری از اشراف و بزرگان کوفه بودند که حتی نام خود را در نامه ننوشتند. از این رو نامه نوشتند که اگر امام به کوفه بیاید و پیروز شود بگویند ما هم نامه نوشتیم و اگر به کوفه بیاید و شکست بخورد بگویند ما نامه ننوشتیم و دلیل و مدرکی بر جای نگذاشته باشند.

2. متن نامه ها: بررسی متن نامه شیعیان و اشراف کوفه به امام، ما را به این نتیجه می رساند که اشراف کوفه از نظر اعتقادی عثمانی مذهب بودند زیرا در متن نامه به حضرت می گویند اگر می خواهی بیا. ولی شیعیان خط فکری سیاسی خودشان را که تبعیت از امام علی و امام مجتبی و امام حسین است را به وضوح بیان می کنند.

3. برخورد امام با دو گروه نویسندگان نامه: از شواهد به دست می آید که امام به نامه اشراف اعتنایی ندارد بلکه در نامه ای که به کوفیان می نویسد شیعیانی چون سلیمان را مورد خطاب قرار می دهد. و در جایی می گوید آن افرادی که نامه نوشتند( اشراف کوفه) پسر عمویم را کشتند. و یا حضرت در روز عاشورا اشراف کوفه را خطاب قرار می دهد که چرا نامه نوشتید و اکنون... به این ترتیب امام حساب اشراف را از شیعه جدا می کند.

ه: نمادها و شعارهای مذهب عثمانی در کربلا: تفکر عثمانی در سپاه عمر سعد و ابن زیاد به خوبی قابل نمایش است. زیرا اولا سپاهیانی که ابن زیاد برای مقابله با امام حسین به کربلا می فرستاد از هر 1000 نفر 200 نفر به میدان جنگ می رفتند و بقیه فرار می کردند چون از کشتن امام حسین کراهت داشتند. اما کسانی که به جنگ می رفتند تفکر عثمانی داشتند.و این تفکر از سخنانی که در کربلا می گفتند و طلب خون خواهی اجدادشان در بدر را داشتند نتیجه گرفت.

و: منع آب بارزترین تفکر عثمانی در کربلاء: از دلایل دیگری که می توان به تفکر عثمانی در سپاه عمر سعد اشاره کرد بستن آب بر روی امام حسین است. سپاهیان عمر سعد می گفتند همانگونه که علی باعث کشته شدن عثمان در حال تشنگی شد ما نیز بر اهل بیت امام علی آب را می بندیم و آن ها را با لب تشنه به شهادت می رسانیم. بهترین مدعی بر این مطلب نامه ابن زیاد به عمر بن سعد است که نوشت: میان حسین و اصحابش و آب جلوگیری کن و نگذاراز آن قطره ای بچشند چنانچه که باعثمان بن عفان آن مرد پرهیزگار و پاک چنین کردند.

ز: ظهور اندیشه های عثمانی و علوی در مناظرات دو طرف**:** گفتگوی اصحاب امام حسین با سپاهیان عمر سعد ما را به این نتیجه می رساند که سپاهیان عمر سعد دارای رویکرد عثمانی بودند. از سخنانی که در شب های آخر بین این دو طیف رد و بدل می شود. گفتگوی زهیر بن قین در روز عاشورا با سپاه عمر سعد یکی از این دلایل است زیرا وی ابتدا عثمانی بود و از همین رو بعد از امام حسین از سپاهیان عمر سعد خواست که به سپاه امام حسین بپیوندند ولی او را لعن کردند. و امام حسین به زهیر گفت تو مثل مومن آل فرعون هستی دلیلی دیگر بر مدعای ما است. مناظرات افراد دو سپاه نیز گویای تفکر علوی و عثمانی دو سپاه است. مثل مناظره یزید بن معقل از سپاه عمر سعد و بریر بن خضیر از سپاه امام حسین. و سخن پایانی امام حسین به شمر گویای این مطلب است: «یا شیعه آل ابی سفیان ان لم تکن لکم دین و لاتخافون المعاد فکونوا فی دینکم احرارا».

ح: شعر سیاسی عثمانی و علوی**:** از مقایسه اشعار و رجزهای جنگ صفین و جمل با کربلا به این نتیجه می رسیم که آبشخور هر دو تفکر عثمانی است.

ط: ادبیات زشت عثمانی ها در کربلا: استفاده کلمات زشت در رابطه با امام حسین و اصحابش از سوی سپاهیان عمر سعد چنانچه می گفتند: ای حسین این آب فرات است که سگان و خوکان و گرگ های عراق از آن می نوشند ولی به خدا سوگند تو از این آب قطره ای نخواهی نوشید. یا این جمله: ای حسین تو را به آتش جهنم بشارت باد. و یکی از کلماتی که از واژگان اختصاصی تکفر عثمانی است جمله«کذاب بن کذاب» است که سپاهیان عمر سعد از این واژه برای امام حسین زیاد استفاده می کردند.

بنابراین غالب سپاهیان عمر سعد عثمانی بودند زیرا اگر این افراد که اینگونه به امام حسین فحاشی می کنند را شیعه بنامیم پس بنی امیه و عثمانیان کدام اند؟.

## نتیجه:

شهر کوفه در دهه 40 و 50 هجری بر اثر سیاست گذاری های اموی و معاویه تبدیل به یک شهر تقریبا عثمانی شده بود و افراد قلیلی شیعه واقعی در آن حضور داشتند که عده ای از انان با حضور در کربلا به شهادت رسیدند و عده ای دیگر به دلایلی که معلوم نیست نتوانستند در میدان حاضر شوند ولی بعد نهضت توابین را به راه انداختند و جان خودشان را در این راه اهدا کردند. اما اکثریتی که نامه به امام نوشتند به چند دلیل عمده که ذکر شد جزئ گروه عثمانی بودند.

‏02‏/12‏/2019